

مستندات قرآنی گفتمان عدالت در فلسفه سیاسی مقام معظم رهبری

□ عبدالله نظری *

چکیده

عدالت مفهوم و مقوله ارزشمندی است که از دیرباز مورد توجه، پژوهش و کنجکاوی فیلسوفان سیاسی بوده است که هر کدام بر اساس و محور نظام شناختی و فکری خود رویکرد و تبیین خاصی به عدالت دارند. از جمله اندیشمندان معاصر که مباحث و نظرات مبسوط و مفصلی پیرامون عدالت ارائه کرده مقام معظم رهبری (آیت الله خامنه ای دامت برکاته) است، چونکه ایشان در مقام و جایگاه رفیع رهبری نظام سیاسی اسلامی قرار دارد و مسئولیت خطیر و سنگینی در حوزه نظری و عملی دارد دیدگاه و نظرات کاربردی و جامعی نیز نسبت به مقوله عدالت به مفهوم کلانی دارد و عدالت را مقتضی الزامات ساختاری و رفتاری نظام سیاسی توحیدمحور می‌داند. از این رو؛ لازم و ضروری به نظر می‌رسد که گفتمان عدالت از دیدگاه ایشان مورد بازنگری و تأملات عمیق با تبیین تائیدات و مستندات قرآنی قرار گیرد. در این نگارش به جستارهای چپستی عدالت، ضرورت عدالت، رابطه حق و عدالت و قلمرو عدالت از منظر ایشان در (حوزه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، جنایی و امنیتی) مطرح و مورد بازاندیشی و کنکاش قرار گرفته است که در فرایند تدوین و اجرای راهبردهای کلان سیاسی اجتماعی نظام سیاسی دینی کارگشا و هدایت بخش است و کارگزاران اسلامی می‌توانند با بهره گیری از آن در حوزه های نظری و عملی و در تطبیق و اجرای سیاست های خرد و کلان نظام اسلامی کمک بگیرند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عدالت، فلسفه سیاسی، مستندات و رهبری.

۱. مقدمه

عدالت جستاری که در حوزه فلسفه سیاسی از اهمیت و جایگاه والایی برخوردار است. همواره جوامع بشری تشنه تحقق و دستیابی به آن در ابعاد حیات فردی اجتماعی بوده‌اند و فلاسفه سیاسی تلاش نمودند که تصویر حقیقی و واقعی از آن برای سامان یافتن نظام اجتماعی و حیات فردی مبتنی بر پیشفرض‌های خودشان ارائه نمایند و هر نظام فکری و فلسفی برای عدالت و مولفه‌های آن تبیین خاصی را در وادی اندیشه و نظر پیش‌کش نمودند.

عدالت از منظر اسلامی اولین ارزش و هدف خلقت به شمار می‌آید که نظام هستی بر آن بنیاد گردیده که از آن به عدالت تکوینی نام برده می‌شود و هرچه خدا آفریده زیبا و عادلانه و براساس حکمت و منطق و حیانی است. عدالت تشریعی، قانون و مقررات یا تجویزات الهی است که در کتاب وحی بصورت مکتوب از طریق انبیای الهی در اختیار بشر قرار گرفته تا در پرتو آن زندگی فردی اجتماعی خویش را سامان بخشند بررسی و کاویدن جستاری عدالت در اندیشه سیاسی رهبری آیه الله خامنه‌ی (دام عزه) که در قله رفیع نظام سیاسی اسلامی قرار دارند، بدون تردید از اولیت‌های علمی و نظری به شمار می‌آید که می‌تواند در رفتار اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی کارگزاران نظام، نقش هدایتگر و روشنگری داشته و در فرایندهای دولتمداری و حکومتداری خوب و مطلوب مثمرتر باشد. چونکه رهبر معظم انقلاب با توجه به مبانی و پیشفرض‌های مستحکم فکری فلسفی دارند می‌توانند خیلی از گره‌ها و بن‌بست‌ها را گشوده و موانع بیرونی و درونی را بشکنند و روزه‌های امید و روح‌بخش برای مجریان سیاست بکشایند. این نگارش رسالت و وظیفه‌ی را به عهده دارد که عدالت را از منظر ایشان در حوزه‌های سیاسی اجتماعی با روش توصیفی تحلیلی و استفاده از داده خام (بیانی و نگارشی معظم‌له) مورد کنکاش و تأملی قرار دهد و پاسخی «مستندات قرآنی عدالت در فلسفه سیاسی مقام معظم رهبری چیست؟» را برای اندیشوران و پژوهشگران قرآن و سیاست اصطیاد و اکتشاف نماید.

۱-۱. پیشینه تحقیق

بر مبنای تحقیقات و پژوهش صورت گرفته مشخص گردید که مستندات قرآنی عدالت در حوزه

فلسفه سیاسی مقام معظم رهبری بررسی و مورد کنکاش نگرفته و می‌توان با قاطعیت اعتراف کرد که موضوع یادشده فاقد پیشینه خاصی است ولی با التفات به برخی کتب و مقالات و تک نگاره‌های می‌توان گفت که برخی آثار به عنوان موضوع عام برای بهره‌وری در این جستار یاد نمود که عدالت صرفاً بدون مستندسازی قرآنی از دیدگاه رهبری نگاشته است، از جمله کتاب «قاموس عدالت: بررسی مبانی نظری و عملی عدالت در کلام رهبری» در اندیشه رهبر انقلاب نوشته از مجتبی جاویدی، که از بیانات و آثار رهبری موضوع عدالت در قالب یک کتاب شش صفحه‌ای جمع‌آوری نموده و یا بحث «عدالت از منظری رهبری» در قالب یک بخش از کتاب «فلسفه سیاسی ایت الله خامنه‌ای» تالیف محسن مهاجر نیا، می‌توان مشاهده نمود این نگارش حاضر به کشف مستندات قرآنی عدالت در فلسفه سیاسی رهبری پرداخته و جستاری نوین و تازه است که برای پژوهندگان حوزه قرآن و سیاست اثر ارزشمند و مفیدی و نگاره علمی خواهد بود.

۲-۱. چیستی عدالت

برای فهم و تبیین هر موضوعی ابتدا لازم و ضرورت دارد به کالبد شکافی مفاهیم کلیدی همان موضوع و سپس به تحلیل و تبیین آن پرداخت. ازین‌رو، در این نوشتار ابتدا مفهوم شناسی عدل و عدالت پی گرفته می‌شود بعداً به مباحث مورد انتظار پرداخته خواهد شد:

عدالت از دوران افلاطون و ارسطو تا زمان معاصر که معروف ترین نظریه پرداز آن «جان رالز» بدان توجه کرده است. عدالت در دوران کلاسیک یونان باستان، قرون میانه، رنسانس، عصر روشنگری، مدرنیته و پست مدرنیسم، مدام در معرض تحول مفهومی قرار داشته است. (حقیقت، ۱۳۷۶، ص ۵۵) گرچند اندیشمندان غربی نیز برای عدالت معانی گوناگون چیدند، برخی عدالت را به مثابه‌ی بی‌طرفی معنا کرده است. در یونان باستان می‌توان از ارسطو به عنوان طرفدار این تلقی یاد کرد از نظر ارسطو عدالت یعنی با گزینه‌های، مساوی، مساوی و با گزینه‌های نامساوی، یکسان برخورد و سیاست بی‌طرفی را حفظ کند و در این صورت عدالت اجرا شده است. (نک: افضلی، ۱۳۹۱، ص ۴۵)

برخی دیگر عدالت را به مثابه مساوات طلبی گفته که بر پایه آن باید تمهیدات سیاسی اجتماعی اندیشیده شود تا منابع و امتیازات سیاسی اجتماعی به طور یکسان در میان افراد توزیع شود. اگر منابع میان افراد به طور مساوی تقسیم شود؛ آن گاه عدالت برقرار می‌شود، برخی عدالت را به مثابه استحقاق داشتن معنا کرده است پایه گذار این تعریف «روبرت نوزیک» و معتقد است: «اگر انسان چیزی را بر اساس اصل مالکیت و داد و ستد عادلانه بدست آورد مستحق آن است» (نوزیک، ۲۳۱، ۱۳۹۵)

راغب اصفهانی می‌گوید: «عدل»، «عدالت» و «معادله» واژه‌هایی که معانی مساوات و برابری را دربردارند. پس «عدل» تقسیم کردن بصورت مساوی میان دو چیز یا دو کس است و بر این اصل روایت شده است: «بالعدل قامت السموات و الارض»: آسمان‌ها و زمین بر پایه عدل استوار شده است». (راغب، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۵) در «لسان العرب» عدل هر آن چیزی است که فطرت انسان به استقامت و درستی آن حکم کند و در مقابل جور قرار دارد (ابن منظور، ۱۴۰۸ق، ص ۴۱۵). عدل به معنای رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم به کار می‌رود یا «اعطاء کل ذی حق حقه» (حکیم سبزواری، بی‌تا، ص ۴۵).

معنای لغوی «عدالت» برابری و برابر کردن و در عرف عام «عدالت» به معنای رعایت حقوق دیگران به کار می‌رود. از این رو؛ اندیشمندان اسلامی در تعریف عدل و عدالت گفته اند: عدالت به معنای ملازمت با راه میانه و دوری از زیاده روی و تفریط در کارهاست و حقیقت عدل داشتن هماهنگی در امور است. امام خمینی (ره) عدالت را چنین تعریف نموده است: «العدالة عبارة عن ملکه راسخه علی ملازمة التقوی، من ترک المحرمات و فعل الواجبات». (خمینی، ۱۳۶۶، ص ۱۳)

علامه مصباح در تعریف عدالت می‌گوید: «اعطاء کل ذی حق حقه: دادن حق به هر صاحب حقی»، گاهی مفهوم عدل را توسعه و گسترش می‌دهد و به این صورت معنا می‌کند: «وضع کل شی فی موضعه: یعنی قرار گرفتن هر چیزی در جای خود است». (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ص ۱۳)

مقام معظم رهبری برای عدالت چنین تعریفی را مطرح می‌نماید: عدالت را هر چیزی

سرجایش قراردادادن و هم هر صاحب حقی را به حق خودش رساندن است. و عدالت یعنی هر چیزی در جای خودش قرار دادن و بر طبق حق عمل کردن، و حق هر چیزی و هر کسی را به او دادن است. (خامنه‌ای، ۱۳۶۸، ص ۱۷)

و ایشان در جای دیگر عدالت اجتماعی را به مفهوم رفع تبعیض، عدالت اقتصادی را به معنای رفع فقر و ایجاد فرصت‌های برابر استفاده از امکانات مادی، اقتصادی، حمایت از مظلومان و عدالت حقوقی را برابری در دادخواهی و قضایی می‌داند: «عدالت یعنی بر طبق حق عمل کردن، حق هر چیز و هر کسی را به او دادن و این معنای عدالت است عدل همان حق است اصلاً از همدیگر جدا نیستند به یک معنا حق همان عدل است (نک: جاویدی، ۱۳۸۵، فص ۲۹) «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ وَ الْأَثَمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ» (اعراف/۳۳). عدالت، از بین رفتن تبعیض، فقر، محرومیت، جهل و نادانی‌های رسوب کرده اجتماعی است (خامنه‌ای، همو، ص ۳۷) «إِنْ أَكْرَمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات/۱۳). عدالت حق‌گرایی و توجه به حقوق آحاد مردم و جلوگیری از ویژه‌خواری و از تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان است (همان، ص ۶۳) «وَ مَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ» (طلاق/۱). عدل معنایش این است که باید جامعه قایم بالقسط باشد یعنی قانون عادلانه، اجرای عادلانه، قضاوت عادلانه و تقسیم عادلانه باشد؛ عدالت رفع فقر و نابرابری اجتماعی در استفاده نامتوازن از امکانات رفاهی و مادی است. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵): (علامه طباطبایی می‌فرماید که میزان در این آیه مبارکه، ترازو یا دین است که مردم در رفتارهای اجتماعی خویش به آن عمل نمایند. (طباطبایی، ۱۳۶۳-۱۳۹۲، ج ۱۵، ص ۱۷۵). رهبری معتقد به عدم یکسانی عدالت و مساواتند: «عدالت، غیر از مساوات است؛ اشتباه نشود گاهی مساوات، ظلم است عدالت هر چیزی را در جای خودش گذاشتن و به هر کسی حق او را دادن است». (وضع کل شی فی موضعه) (نک: جاویدی، ص ۳۱).

پس عدالت از منظر رهبری برابر با حق است که در مسایل سیاسی اجتماعی برابر فرصت‌ها و امکانات و امتیازات است که در اختیار همه شهروندان از طرف شهرداریان قراردادده شود و ملاک‌های تبعیض‌آمیز سیاسی اجتماعی در آن دخالت داده نشود و عدالت یعنی هر

فرد در جامعه قرآنی به اندازه تلاش و فعالیت استحقاق پیدا می‌نماید و مالک می‌شود، نه اینکه عدالت به معنای مساوات و برابری نظام‌های سوسیالیستی باشد.

۳-۱. ضرورت عدالت

جامعه، مجموعه‌ای از انسان‌های هستند که با یکدیگر زندگی می‌نمایند و دارای ارتباطات و داد و ستدهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌باشند، جامعه در همه اشکال خودش (ساده و پیچیده) دارای ساختار (structure) است. جوامع صنعتی و پیچیده معاصر و جوامع بسیط و ساده گذشته در این ویژگی مشترکند که از صرف جمع شدن افراد پدید نیامده‌اند بلکه هریک از آن‌ها دارای ساختار خاص اجتماعی است که موجب تمایز و تفارق آن از یکدیگر جوامع انسانی است.

ساختار جامعه از نهادهای بنیادینی دیگر (institutions) تشکیل و سامان یافته است که عهده‌دار چگونگی توزیع منابع کمیاب اجتماعی: «قدرت»، «ثروت» و «منزلت اجتماعی» هستند. نهادهای که ساختار اجتماعی را تشکیل می‌دهند و باید طور تنظیم و سامان یابد که روابط عادلانه میان نهادها و افراد پدید آورند، اگر شاکله اجتماعی بدون رویکرد عادلانه شکل گیرد به فروپاشی درونی می‌انجامد، عدالت‌مداری و عدالت‌نگری، سنگ مستحکم زیربنایی است که حدوث و تداوم ساختار جامعه به بودن آن بستگی دارد. پس عدالت کاوی و عدالت شناسی از ضروریات هر جامعه علمی و فکری است.

رهبری (دامت برکاته) بر اهمیت و ضرورت تأمین عدالت در حوزه اخلاقی و اجتماعی تأکید دارند و عدالت را اولین سنگ‌زیرین بنیاد جامعه قرآنی و اسلامی دانسته و معتقدند: «اولین ارزش در نظام اسلامی در عرصه عمل و رفتار بالاتر از تأمین عدالت در حوزه فردی و اجتماعی نیست، قرآن کریم عدالت را مبنای همه تصمیمات و اقدامات سیاسی و اجتماعی قلمداد می‌کند و پیام اسلام را اقامه عدل در جامعه و ایجاد مکانیزم و سازوکار مبتنی بر مدار عدالت تشکیل می‌دهد، پیامبران الهی برای ایجاد جامعه مبتنی بر عدالت فرستاده شده‌اند و استقرار عدل، تبعیت از عدل، ترویج عدل، تلاش و مجاهدت برای تحقق عدل، تکریم عدالت و تقبیح

ظلم از خصوصیات بارزی نظام اجتماعی اسلامی است»

برهمن اساس یکی از اهداف عمده پیامبران را اقامه عدل و قسط می‌شمارند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) هرچند علامه طباطبایی این عدالت و قسط را به قسط در معاملات حمل نموده‌اند. (طباطبایی المیزان ج ۱۴، ص ۱۹۸)

رهبری (دامت برکاته) دلیل پذیرش ملت‌های مختلف از نظام اسلامی را در برخورداری آن نظام از عدالت محوری تلقی می‌کند و می‌فرماید:

عامل پیروزی اسلام بر ادیان دیگر دو چیز است: «يك، منطق قوی و استدلال متین برای اثبات مدعای خود، دیگری عدالت به معنای حقیقی کلمه است». (نک: جاویدی، ص ۳۰) لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ: به راستی که پیامبران را همراه با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب آسمانی و میزان نازل کردیم تا مردم به اقامه عدل و داد برخیزند. (حدید/۲۵). ایشان این دو (برهان روشن و اقامه عدل) را ابزار پیشرفت و گسترش ارزش‌های اسلام می‌داند و باورمند است که تکوین و تداوم زندگی اجتماعی، برای اجرا و نهادینه سازی عدالت بوده و بدون عدالت، نظام اجتماعی قوام و تداوم نمی‌یابد. بخصوص عدالت قرآنی مطابق با فطرت و خلقت بشری است چونکه «قران کریم در عرصه‌های روحی و روانی افراد و جامعه نقش شفا بخشی دارد و راههای جدیدی را برای بیرون رفت بشریت از تنگای زندگی گشوده و می‌نمایاند.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۳)

۴-۱. رابطه حق با عدالت

رهبری (دام ظلّه) مقولات حق و عدالت را از همدیگر جدا ندانسته، بلکه آن‌دو را یک مفهوم و معنا و مترادف می‌دانند و چنانچه امام علی (ع) می‌فرماید: «عدالت، ترازوی خداوند است که برای بندگان نهاد، و برای اقامه حق آن را نصب کرد، خداوند را در ترازویش نافرمانی نکنید و با سلطنت او معاوضه نکنید». (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۲، ش ۸۸) ... و ذلیل در نزد من عزیز و قوی است تا حق را برایش بستانم و قوی در نزد من ضعیف است تا حق را از او بگیرم. (فیض الاسلام، ۱۳۷۷، ص ۱۲۱، ح ۳۷). و در فراز کلام معصومین علیهم السلام حق همان عدالت است.

از نظر رهبری نیز عدالت از حق جدانیست، بلکه آندو یکیند و عدالت تکوینی در بنیان عالم و آفرینش، نقش اساسی دارد یعنی سنت آفرینش عدل است «مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ»: (ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان آنهاست، جز بر اساس حق و زمان‌بندی مشخص نیافریدیم) (احقاف: ۳)؛ هر نظام اجتماعی اگر بدنبال این سنت طبیعی و قانون الهی آفرینش حرکت کرده، تداوم می‌یابد.

اقامه قسط و عدل که عدالت تشریعی و راهبرد اساسی انبیاء الهی را تشکیل می‌دهد و هدف بعثت انبیای الهی است و هدف اسلام ایجاد قسط و استمرار عدل در جامعه است؛ اسلام و ارزش‌های اسلامی همان عدل و عدالتند که باهمدیگر تنیده‌اند پس «عدل همان حق، حق همان عدل است» (جاویدی، همان، ص ۲۹). «لَيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵). امامان معصوم برای تحقق عدالت تشریعی در تمام بخش‌های اجتماعی از هیچ کوشش و تلاشی دریغ نورزیدند برای استقرار نظام اجتماعی عدالت محور مشکلات و دشواری‌های طاق‌ت فرسا را متحمل شدند. تا حق در جامعه محقق سازند و حق همان چیزی است که خداوند برای سعادت دنیا و آخرت بشر در قرآن بیان نموده است. «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوها عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (بقره: ۲۵۲) پس حق و عدالت از منظر رهبری دو چیزی جداگانه نیستند بلکه حق همان عدالت است و حق نیز آموزه‌های دینی و وحیانی که خداوند برای رسیدن به سعادت و رستگاری بشر از طریق پیامبران بیان نموده است.

۲. قلمرو عدالت

عدالت در فلسفه سیاسی مقام رهبری تنها مفهوم انتزاعی و ذهنی محض و بریده از واقعیت‌های اجتماعی سیاسی نیست، بلکه همان طوری که بیان شد، عدالت از گسترده‌ترین مفاهیم زندگی سیاسی است که تمامی گستره‌های حیات فردی و اجتماعی را پوشش می‌دهد. رهبری در عبارت گویا و رسا این حقیقت را به تصویر می‌کشد: «اسلام یک جهان‌بینی، بینش و فلسفه است که خود آن فلسفه معتقد به عدل در تمامی وجود است، و معتقد است که محاسبه و توازن در تمام عالم است، عدالت حق است حق آن قانون است که منطبق با

واقعیت‌های سیاسی اجتماعی است، حق و قانون الهی در تمامی شئون زندگی قابل طرح است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۳/۳۰) و قلمرو عدالت از منظر رهبری می‌توان در مقولات و عرصه‌های ذیل مطرح نمود:

۱-۲. عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی یعنی اینکه از همه برکات جامعه اسلامی، تمام قشرها بهره‌برند و عدالت اجتماعی هم یک امر اجتماعی محض است و به حکومت، سیاست، شیوه فرمانروایی در جامعه مربوط است، جز به برکت یک فرهنگ صحیح در اذهان یکایک مردم قابل تأمین نیست. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۴/۱۹)

هدف از خلقت انسان رسیدن به کمال است و برای رسیدن به این مقصد عوامل متعددی چون کار و تلاش و همت بلند و آبادانی و غیره نقش دارند؛ اما آنچه می‌تواند جامعه انسانی را به سوی این هدف سوق دهد و نقش اساسی ایفا کند، عدالت اجتماعی است. هنگامی که هر عضو جامعه ببیند حقوق لازم او توسط دیگران حفظ شده و به انسانیت و کرامت او احترام گذاشته می‌شود، ارتباط این عضو با اعضای دیگر بهبود یافته و سعی می‌کند متقابلاً نقش مفیدی در جامعه ایفا کند. جامعه مانند بدن است که سلامتی و شادابی آن در گرو عملکرد درست هریک از اعضاست. این کار جز با همکاری همه مردم و مردم با حاکمیت و حاکمیت با مردم میسر نخواهد شد. بدون اصل عدالت نه طراوتی می‌ماند و نه رشد و شکوفایی و نه کمال و نه همکاری میان اعضا و در نتیجه استمرار و بقای آن جامعه دچار مشکل می‌شود.

ظلم، آفت جامعه و ویرانگر تمدن‌ها و اقوام است. «فرد و جامعه‌ای که با عدالت اصلاح نشود بازیچه جور و ستم خواهد بود.» (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۲۶۵)

عدالت، هم غایت و هم آمال کلیت فلسفه سیاسی اسلام است و هم هدف تک تک مسائل سیاسی است. از این رو، در قرآن کریم هدف بزرگ انبیاء، اقامه عدل در جامعه معرفی شده است. (حدید: ۲۵). هدف این بوده است که قسط و عدل در میان جوامع حاکم بشود (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۲۸). و انسان‌های عادل، صالح و عدالت طلب، قدرت را در دست داشته

باشند (همان، ۱۳۶۸/۷/۳۰) و هدف و غایت برای حرکت جامعه اسلامی، تشکیل جامعه عادل است و هدف از حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام نیز ایجاد جهان مبتنی بر عدالت و دادگری است. عدالت اجتماعی در اندیشه رهبری، در واقع همان بسترسازی برابر برای بهره‌وری از تمام فرصت‌ها و امکانات برای اقشار مختلف اجتماعی، بدور از تبعیض، تعصب، تمایزات نژادی، قومی، زبانی، فرهنگی و برتری‌جویی‌های غیردینی است که در همه زمینه‌های اجتماعی پیاده شود و چنانچه رهبری در این مورد بیان فرمودند:

«عدالت اجتماعی جزء بزرگترین توصیه‌های اسلامی است اگر مسئولانی در کشور برای عدالت اجتماعی، برای نفی فقر در جامعه و کاهش شکاف اجتماعی میان طبقات غنی و فقیر کار نکنند از چشم مردم می‌افتند». (خامنه‌ای، ۱۳۸۱، ۲۳) «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ (ما پیامبران خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. (حدید: ۲۵).

عدالت اجتماعی یعنی نگاه و نظر دستگاه قدرت و حکومت، نسبت به آحاد مردم، یکسان باشد؛ در مقابل قانون، امتیازات و برخوردها، یکسان باشد، معنای عدل اجتماعی این است که قانون، مقررات و رفتارها نسبت به همه افراد جامعه یکسان باشد کسی امتیاز ویژه‌ای بدون دلیل نداشته باشد؛ این معنای عدالت اجتماعی است (همان، ص ۳۱) «وَ إِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعاً بَصِيراً»: و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بیناست. (آل عمران: ۵۸)

عوامل شوم و بدبختی در جامعه، فقر، ناامنی و تبعیض است پایه شوم بدبختی، تبعیض است، تبعیض یعنی بجای ملاحظه قابلیت‌ها، به جای ملاحظه استحقاق‌ها، بجای ملاحظه خدا و قانون رابطه‌ها ملاحظه شود، روابط مقدم بر ضوابط گردد؛ بر خلاف مقررات اسلامی، در راستای منافع شخصی و گروهی رفتار نمایند این مظهر بی‌عدالتی است (نک: جاویدی، همو، ص ۲۴۸) «خداوند در برخی از آیات قرآن کریم به حقیقت برخی از اعمال بدکاران اشاره

می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا»: در حقیقت کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند، آری خوردن مال یتیم در همین دنیا هم آتش است. (نساء: ۱۰)

در نظام اسلامی، عدالت مبنای همه تصمیم‌گیری‌هاست. همه مسئولان در راه استقرار عدل، رفع محرومیت از طبقات محروم، تهی‌دست و کم‌درآمد باید تلاش ورزند که غالباً بیشترین بار مشکلات نظام اسلامی در همه بحران‌ها بدوش دارند. عدالت اجتماعی از اهداف بزرگ اسلامی است. (خامنه‌ای، ۱۳۷۶، ۱۲۶) «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵).

عدالت اجتماعی در پرتو اصلاح نفوس، بواطن و در سایه توجه به خدا حاصل می‌شود، اسلام فقط احکام عبادی فردی نیست بلکه مسایل اجتماعی چون رحم، عدالت اجتماعی، رسیدگی به خواست‌های مردم، خدمت به انسان‌ها و مبارزه با انواع فساد نیز از مسایل زیر بنای اسلام است. (نک: جاویدی، همان، ۲۳۸) (کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، به خاطر فسادی که می‌کردند، عذابی بر عذابشان می‌افزاییم! (مائده: ۳۳))

اسلام در پرتو دستورات اسلامی و دینی بر محور عدالت قرار می‌گیرد دستورات اسلامی همان عدالت است رفتار دینی و اسلامی یعنی گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم است.

عدالت اجتماعی در پرتو اجرای قوانین اسلامی بدون تبعیض، تعصب و بدون در نظر داشت ویژگی‌های اجتماعی، طبقاتی و... قابل حصول است. (نک: جاویدی، ص ۲۳۸) «إِنَّ حَكَمْتَ فَأَحْكُم بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»؛ اگر داوری کردی، میان آنان به عدل داوری کن که خدا دادگران را دوست دارد. (آل عمران: ۴۲). پس عدالت اجتماعی از نظر ایشان نفی و طرد تفکر تبعیض و تعصبات غیر معقول و برابری مردم و آحاد جامعه در برخورداری از خیرات اجتماعی است.

۲-۲. عدالت سیاسی

قرآن کریم رسالت انبیا را اقامه قسط و عدالت در میان مردم بیان می‌کند و با عدالت سیاسی می‌توان از وجود توازن، رعایت قانون و توزیع مطلوب قدرت و امتیازات مادی و معنوی میان

شهروندان سخن گفت که با فراگیر شدن آن، امور جامعه، در پیوند با قدرت، به تناسب در جای خود، قرار می‌گیرد و حقوق شهروندان بطور شایسته و مطلوب پاس داشته می‌شود تا زمینه و شرایط مطلوب برای تحقق عدل الهی فراهم شود.

قرآن کریم، کتابی است برای همه زمان‌ها و مکان‌ها، راهبردها و راه حل‌های دارد این راهبردها، دارای اصول پیشینی چون عدالت فردی و اجتماعی سیاسی مبارزه با ظلم و عدالت طلبی است که نقش تاثیرگذار در برداشت‌ها و تلقی‌های افراد دارند. براساس آیات، منطق کلام الهی، راهبردهای عدالت سیاسی را می‌توان در مسوولیت‌پذیری، نظارت همگانی، تکافل و همیاری سیاسی، شایسته سالاری، مشورت، می‌توان مشاهده کرد. عدالت سیاسی، گزینش مسئولین و کارگزاران با ملاک‌های دینی الهی از میان افراد لایق، کاردان، پاکدست و آراسته به خصوصیات لازم اسلامی برای مدیریت سالم اسلامی سیاسی است.

کارگزاران حکومتی، خدام و خدمتگزار مردمند، خدمت کردن به مردم فدارکار، عبادتی بزرگ و افتخار ابدی است؛ مسئولین سیاسی باید از یک زندگی معمولی برخوردار باشند، به قدری که بتوانند برای مردم کار کنند و متمتع شوند و از امتیازات مادی بهره‌برند

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا: خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بیناست. (آل عمران: ۵۸).

نظام اسلامی عبارت است از این که اولاً قسط، عدل اسلامی و احکام اسلامی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ ثانیاً عناصر صالح و شایسته‌ی متصدی و مباشر این کار باشند بدون افراد شایسته و صالح امکان ندارد احکام اسلامی و قسط اسلامی در جامعه پیاده شود. ثالثاً اعتماد مردم به آن‌ها و رابطه‌ای میان مردم و خدمتگزاران سیاسی مستحکم باشد هر کدام از این سه پایه اگر کم باشد فلسفه حکومت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد. (جاویدی، همان: ۲۷۳) «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ...»: بگو من به هر کتابی که خدا فرستاده

ایمان آورده‌ام و فرمان یافته‌ام که در میان شما دادگری کنم... (شورا: ۱۵).

حکومت اسلامی بتواند مقررات وضع نماید که باعث عدالت و زاینده عدالت و سرچشمه‌های جوشان عدالت اجتماعی در جامعه بشود عدالت سیاسی است که بهمین خاطر اسلام برای حاکم اسلامی اختیارات بسیار و گسترده قایل شده است برای اینکه بتواند عدالت در جامعه سیاسی برقرار نماید. (بیانات رهبری، ۱۳۶۳/۶/۲۳).

مقام معظم رهبری در توصیف کارگزاران و حاکمان سیاسی و حکومتی و وظایف اجتماعی و سیاسی آنان می‌فریند: کارگزار و مسئول اصلح کسی است که برای ریشه‌کن کردن فقر و فساد عزم جدی داشته باشد یعنی کسی که به حال قشرهای محروم و مستضعف؛ دل بسوزاند اصلح کسی است که هم به ترقی و پیشرفت کشور بیاندیشد از یاد قشرهای مظلوم و محروم جامعه غافل نباشد اصلح کسی است که به فکر معیشت مردم، دین مردم، فرهنگ مردم، دنیا و آخرت مردم باشد. (جاویدی، همان: ۲۷۷) «وَقُلْ أَمُنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ...»: بگو من به هر کتابی که خدا فرستاده ایمان آورده‌ام و فرمان یافته‌ام که در میان شما دادگری کنم».

اولین شرط برای مسئول سیاسی که به مرکز قدرت راه می‌یابد تقوا است که معتقد به ارزش های اسلامی باشد «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (الحجرات: ۱۳)، شرط دوم دلسوزی به مردم، بویژه طبقه محروم داشته باشد و شرط سوم مسئولین نظام اسلامی باید شجاع و دلیر در برابر تهدیدهای دشمن باشند «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَتْهُمْ بُنْيَانٌ مَرِصُوصٌ» (صف: ۴).

و برخی آیات قرآن کریم «امانتداری، و «هدایت یافتگی، (یونس: ۳۵) از اوصاف زمامداران جامعه سیاسی دانسته‌اند. اشتراط هدایت یافتگی و امانتداری، هدفی جز این ندارد که شخص صاحب منصب در قانونگذاری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، حق و عدالت را مراعات کند و حقوق مردم را تباہ نسازد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ» (نساء: ۵۸-۵۹). در این آیات، ابتدا به پیشوایان جامعه دستور داده امانت را به اهلش بسپارید و در حکمرانی به عدالت رفتار کند، سپس به

مردم فرمان داده از آنان پیروی نمایند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ق، ۲۷۵)

امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف کارگزاران حکومت اسلامی برای تحقق عدالت سیاسی بیان می‌دارد که مسئولین نظام سیاسی، مسئولین هستند که برای خدا و مردم در راه خدا، بدور از هوا و هوس، منافع شخصی و لذایذ فردی، تلاش ورزند (جاویدی: همان: ۲۸۳)

همان انسان‌های امینی هستند. «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (ای پدر اورا استخدام کن چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی هم نیرومند و هم در خور امینی است) (قصص: ۲۶)

عدالت سیاسی، گماشتن و گزینش کردن عناصر کاردان، دیندار و دردمند و کارا است که در راستای دفاع از مظلومین، مقابله با پدیده‌های نابرابری و به نفع طبقه محروم جامعه قدم بر می‌دارند.

۳-۲. عدالت اقتصادی

گاهی از این عدالت با عنوان عدالت توزیعی یاد شده است، اقتصاد و زندگی اقتصادی از مهم‌ترین حوزه‌های مرتبط با عدالت است که مقام معظم رهبری توجه ویژه‌ی به آن دارد: «یکی از اساسی‌ترین بخش‌های عدالتی که قرآن معتقد است که هدف نبوت‌ها و بعثت‌ها برای عدالت است، عدالت اقتصادی است، عدالت در بهره‌مندی‌ها است». (همان، ۱۳۶۶/۵/۲۲)

«وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ؛ و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید». (بقره: ۱۸۸)

احقاق حقوق شهروندان در هسته مرکزی عدالت وجود دارد، بنابراین یکی از کارکردهای عمده عدالت آن است که شهروندان و حقداران به تناسب به حقوق خویش برسند، آنگاه که عدالت بر جان، نهان، و رفتار حاکمان حاکم شود و راه وصول به حکمرانی خوب و احقاق حقوق شهروندان گشاده شده می‌شود. آیات قرآن کریم بر ایفای حقوق و داوری به حق دلالت دارد، دو امری که با حاکمیت اخلاق در جامعه فراهم می‌شود، خداوند می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ». ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم تا میان مردم به آنچه خدا به تو آموخته، داوری کنی (نساء: ۱۰۵)

رهبری برای عدالت اقتصادی چنین می‌فرماید: عدالت اقتصادی عدالتی است که در همه

امور و عرصه‌ها، برنامه‌ریزی‌های نظری و عملی اقتصادی اجراء گردد، عدالت اقتصادی فراهم کردن زمینه بهره‌برداری از امکانات عمومی و ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی برای همگان، بخصوص برای قشر آسیب‌پذیر جامعه و برچیدن بسترهای سوء استفاده اقتصادی است (جاویدی، همان، ۳۸۸) «وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»: و با آنان کتاب را به حق نازل فرمود تا طبق آن در میان مردم و در آنچه اختلاف کرده‌اند حکم کنند. (ابن عباس، غریب القرآن فی شعر العرب، ۱۴۱۳ ه. ق، ص ۸۸)

«تمتع و بهره‌مندی قشرهای مختلف مردم از امکانات مادی، باید متعادل باشد، نبایستی طوری باشد که فاصله‌ها روز به روز زیاده‌تر بشود؛ عدالت اقتصادی، تلاش در جهت تحقق عدالت توزیع امکانات و ایجاد فرصت‌های برابر و ارتقای سطح شاخص‌های توسعه و پیشرفت از قبیل آموزش، سلامت، تأمین غذا، افزایش درآمد سرانه و مبارزه با فساد اقتصادی بوده و ایجاد نظام تأمین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر حمایت از نهادهای عمومی و مؤسسات خیریه مردمی با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی است. (جاویدی، همان، ۳۸۹) «الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ: همان کس که آنها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت» (قریش: ۴)

عدالت اقتصادی، توزیع فقر نیست بلکه توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌های موجود برای تمام شهروندان است». (خامنه‌ای، ۴۱، ۱۳۸۴) اِنَّ اللّٰهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْاِحْسَانِ وَ اِيتَاءِ ذِي الْقُرْبٰى وَ يَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغٰى» (نحل/ ۹۰)

با توجه به سیاق آیه که وظایف انسانها را در قبال جامعه خود مطرح می‌کند منظور از عدل، عدالت اجتماعی است و انسانها از طرف خداوند مأمور به اقامه عدالت اجتماعی می‌باشند، آن هم به شکل کلی و در همه زمینه‌ها، که یکی از آن موارد، عدالت اقتصادی می‌باشد. از آن جا که عدالت با همه قدرت و شکوه و تأثیر عمیق در مواقع بحرانی و استثنایی به تنهایی کارساز نیست، بلافاصله دستور به احسان نیز داده است؛ چون در این مواقع، جامعه نیاز به ایثار و گذشت و فداکاری دارد که با استفاده از اصل احسان باید تحقق یابد. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ص ۶۵)

خداوند بزرگ در قرآن کریم در مقام ذکر نعمت‌های بزرگ خود به جامعه، می‌فرماید:

موضوع توزیع درآمد، کم کردن و کاهش دادن فاصله‌ی بین طبقات اجتماعی و نیز فراهم کردن فرصت‌های شغلی برای همه به عنوان شاخص‌های توسعه عدالت اقتصادی مورد توجه جدی قرار بگیرد. (جاویدی، همان، ۳۲۵) **كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ**؛ تا میان توانگران شما دست به دست نگردد.)) (حشر: ۷)

«ما در زمینه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی و تولیدی کشور و حواشی آن، باید توجه کنیم که ما هم توسعه محور هستیم، هم عدالت محور. ما طبق برخی از سیاست‌های که امروز در دنیا رایج است و طرفداران فراوانی هم دارد، نیستیم که فقط به رشد تولیدها و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن، فکر نکنیم؛ نه، این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم و اینها باهم نمی‌رساند یا باید این را انتخاب کرد که آن را، قبول نداریم». (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۶/۴)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ؛ **وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانْشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ** ؛ **وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ** بیان کرد: در این آیه می‌خوانیم: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون شما را گویند در مجالس جای باز کنید، جای باز کنید تا خدا در کار شما گشایش دهد. و چون گویند که برخیزید، برخیزید. خدا آنهایی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که دانش یافته‌اند به درجاتی برافرازد، و خدا به کارهایی که می‌کنید آگاه است. (مجادله: ۱۱)

نظام اسلامی معتقد به یک جامعه ثروتمند است، نه یک جامعه فقیر و عقب مانده، معتقد به رشد اقتصادی است، ولی رشد اقتصادی مسأله‌ی اول نیست، آنچه مسأله اول در درجه اول است این است که فقیر در جامعه نباشد، محروم نباشد؛ تبعیض در استفاده از امکانات عمومی نباشد و فرصت‌ها و امکانات مربوط به همه کشور است و باید در این‌ها تبعیضی وجود نداشته باشد. (بیانات رهبری، ۱۳۸۰/۰۸/۲۰) **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ**؛ هر چه می‌توانید از نیرو و از اسبان سواری فراهم کنید (انفال: ۶۰)

یکی از مشکلات جامعه اسلامی عبارت از شکاف اقتصادی، تبعیض در مسایل اقتصادی

است و بهره‌برداری و برخورداری‌های ناروا، در مقابل محرومیت‌های سخت و سنگین، مردم را آزار می‌دهد و فقری که مردم محروم را آزار می‌رساند (جاویدی، همان، ص ۲۴۹) فقر و محرومیت فقرا به خاطر اراده و مشیت الهی نیست، بلکه بر اثر ظلم اغنیا و سرقت اموال فقرا توسط آنان است. سیره انبیاء و اولیای الهی بر دلجویی از بینوایان بوده است. حضرت سلیمان بامدادان با ثروتمندان احوالپرسی می‌کرد و نزد تنگدستان می‌آمد و با آنان می‌نشست و می‌فرمود مسکینی هستم با مسکینان. (مجلسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۴، ص ۸۳)

خداوند در شب معراج به پیامبر گرامی اش فرمود: «از ثروتمندان دوری کن و از نشستن با آنان پرهیز.» (دیلمی، ۱۳۷۲، ص ۲۱) در قرآن کریم به پیامبر می‌فرماید:

«وَاصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذِینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِیِّ ۖ یُرِیدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عِینَاکَ عَنْهُمْ تُرِیدُ زِینَةَ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَلَا تُطِيعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا» (کهف/۲۸).

مبارزه با فقر یعنی تلاش برای این که ثروت از منابع ملی استخراج گردد و بدست آید، اولاً به شکل بهینه استخراج شود بعداً به شکل بهینه مصرف بشود و اسراف نگردد. فساد یعنی فساد اخلاقی، فساد کاری، عدم احساس وجدان در تقدیم خدمات عمومی، عدم احساس مسئولیت در مواجهه با افکار عمومی و با ذهن‌های مردم این‌ها شعبه‌ها و شاخه‌های فساد است که عدالت اقتصادی آنرا نمی‌پذیرد.

در جامعه علوی و اسلامی، فاصله‌های عمیق طبقاتی و برخورداری ناهق از حقوق دیگران وجود ندارد قسط و عدل درجامع جاری است، آن جامعه الهی است که در آن عدالت باشد. عدالت اقتصادی برخورداری مساوی از فرصت‌های اقتصادی برای همگان است، ضمناً زمینه رقابت آزاد اقتصادی نیز میان استعدادهای گوناگون باید هموار باشد. (خامنه‌ای، ۱۳۷۸: ص ۶) وَهُوَ الَّذِی اَنْشَاَکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ؛ اوست آن کسی که شما را از یک نفس آفریده است. (انعام: ۹۸)

آماج و هدف مبارزه در اسلام سه چیز است: فقر، فساد و تبعیض است. یا اَیْهَا النَّاسُ اِنَّا خَلَقْنَاکُمْ مِنْ ذَکَرٍ وَاُنْثٰی وَجَعَلْنَاکُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوْا اِنَّ اَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّٰهِ اَتْقٰیکُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِیْمٌ خَبِیْرٌ (حجرات: ۱۳): ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما

را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی تردید خداوند دانای آگاه است. اگر با فقر، فساد و تبعیض مبارزه شود اصلاحات به معنای حقیقی، انقلابی اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد، مشکلات جامعه اسلامی ناشی از این سه پایه شوم و مخرب است؛ ناامنی هم که داریم از این خاطر است بسیاری ناامنی‌ها بخاطر فقر اقتصادی است با فقر باید مبارزه شود انسانی که امکان زندگی در حد نیاز و ضروری ندارد همان چیزی است که پیامبر اکرم فرموده که: «کاد الفقر ان یکون کفراً» فقر انسان را به فساد و به خیانت می‌کشاند برای ریشه‌کن نمودن فقر نیازمند به عدالت اقتصادی است. (جاویدی، همان: ۲۴۸)

یکی دیگر از عناصر اقتصادی از نگاه اسلام تعدیل ثروت است؛ (شهید صدر، ۱۴۱۷ق، ص ۳۰۳) در جامعه اسلامی نباید تفاوت فاحشی بین افراد از نظر برخورداری از مواهب مادی وجود داشته باشد. هرچند تفاوت افراد در دستیابی به مال قابل انکار نیست؛ چه این تفاوتها تکوینی بوده و افراد بشر از حیث استعداد جسمی، روحی، صبر، شجاعت، همت، ذکاوت و نوآوری و توانایی بدنی و امثال آن بایکدیگر اختلاف دارند. این تفاوتها نتیجه امور قهری که طبقه اجتماعی در اثر وضعیت اقتصادی بر او تحمیل کرده باشد نیست و از بین بردن آن نه ممکن است و نه مفید؛ زیرا همین اختلافات کاروان تمدن بشری را به جلو برده و می‌برد و امکان رشد و ترقی جامعه را فراهم می‌آورد. (عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، ۲۱۹) قرآن این تفاوتها را نشانه حکمت و تدبیر الهی معرفی می‌کند. (رفیع پور، ۱۳۹۶، ص ۲۸۳)

رفتار دینی یعنی گسترش عدالت در جامعه و خدمت به آحاد مردم در اسلام خدمت به انسان‌ها، حق انسان‌های غیر مومن هم مورد نظر است، افق دید اسلام خیلی وسیع است، خدمت کردن پرهیز از تبعیض، تضييع بيت المال و تضييع حقوق مردم است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۱/۲). (سید باقری، ۱۳۹۳، ص ۳۷۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أُولَىٰ بِهَمَّا...: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! کاملاً قیام به عدالت کنید! برای خدا شهادت دهید، اگر چه (این گواهی) به

زیان خود شما، یا پدر و مادر و نزدیکان شما بوده باشد! (نساء: ۱۳۵)

«میدان عدالت، رفع تبعیض، و جلوگیری از تظاول به بیت المال است. طبق تجربه تاریخی و تجربه ای که خود ما در داخل در این مدت کسب کرده ایم، یکی از دشوارترین میدان‌های مجاهدت، برای بسط عدالت است. هرکس که با نوعی تخلف چه تخلف‌های محسوس یا نامحسوس دستی در بیرون از مرز قانونی مجاز برای خود دارد، با این مبارزه مخالفت و معاوضه می‌کند، اینکه ما گفتیم برای عدالت باید مبارزه کرد، برای مبارزه با فساد باید همه دست به دست هم بدهند و فساد اقتصادی ویژه در بین مسئولین و کسانی که دستی در امور بیت المال دارند باید جدی گرفته شود، به همین علت است که این کار جزء مشکل‌ترین‌ها و در عین حال اگر به نتیجه برسد، جزء پربرکت‌ترین‌هاست». (خامنه‌ای، بیانات ۱۳۸۲/۶/۱۹) **الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ**؛ (آنها که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند. (شعراء: ۱۵۳))

رهبری معتقدند که حاکم اسلامی باید حکومت را برای خود وسیله اعاشه زندگی، کسب در آمد و اندوختن ثروت نداند بلکه یک تکلیف و مسئولیت بداند نظام اسلامی، نظام عدل، انصاف و رسیدگی به مردم، احترام گذاشتن به حقوق مردم و مقابله با ظلم اقویا بر ضعیفان است و امانت داری در بیت المال جامعه بوده و اجتناب از مصرف آن در مسایل شخصی است. (خامنه‌ای، رهنمودها، ۶، ۱۳۸۳) **«وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَتَغَوَّا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ»**؛ (بر اشیاء (و اجناس) مردم عیب نگذارید؛ و از حق آنان نکاهید! و در زمین به فساد نکوشید!). (هود: ۸۵)

خدمت رسانی به طبقه محروم و مظلوم وظیفه مسئولان و کارگزاران است و طبقه که محتاج خدمتند ما باید این خدمت را به آنها برسانیم و این خود یک قدم بزرگ در راه ایجاد عدالت اقتصادی است. (مشاوران جوان، ۱۳۷۸، ص ۶۵)

۴-۲. عدالت کیفری

عدالت کیفری یعنی اینکه حقوق و حدود الهی یکسان بر مردم اجرا شود. (مهاجرنیا، ۱۳۹۲، ص ۱۶۶) «نوع دیگر از عدالت در اسلام عدالت کیفری می‌باشد که در دادخواهی و

بررسی دعاوی و شکایات و صدور احکام قضایی عدالت کیفری باید در جامعه نهادینه شود «بروز عدالت کیفری این است که در یک جامعه آنجایی است که یک فرد از طبقه‌های هرچند پایین اجتماع، در صورتی که بر وی ظلمی روا شود یا حتی ضایع شود بتواند جلوی ولی امر مسلمین و عالی‌ترین فرد مملکت بایستند و احقاق حق کند بدون اینکه صدایش بلرزد» (خامنه‌ای، بیانات، ۱۳۸۱/۹/۷) ویژگی‌های قوه قضائی و قاضیان در نزد رهبری چنین است:

شان دستگاه قضائی، مبارزه با تخلفات، شان اصلاح و مبارزه با مظاهر ظلم و باطل است اولین هدف آن برپای قسط و عدالت کیفری است. هرکسی که وارد دستگاه قضایی می‌شود باید در درجه اول تکلیف خود را این بداند که در جامعه قسط و عدالت برپادارد، قسط و عدالت جز با انطباق با قوانین اسلامی تحقق پذیر نمی‌باشد، هرچه خلاف قوانین اسلام بود مظهر ظلم و بی‌عدالتی است. قوه قضائیه برای احقاق حق و ابطال باطل هیچ بهانه قرار ندهند در حدتوان و قدرت در راه تحقق عدالت باید بکوشند. قوه قضائیه باید از نظارت قوانین استقبال کند و قانون یکی از ابزار نظارت است. باید نقض نشود و تخصیص نخورد». (جاویدی، همان: ۴۴۰-۴۴۲)

فَإِنْ جَاؤُكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ ... وَ إِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ؛ ... ولی اگر نزد تو آمدند، در میان آنان داوری کن، ... و اگر داوری کنی، با عدالت در میان آنها داوری کن، که خدا عدالت‌پیشگان را دوست دارد. (مائده: ۴۲)

«استقلال قضات یکی از ویژگی‌های عدالت قضای و کیفری است که قاضی هنگام صدور حکم، نباید تبعیض و نابرابری در اراده آن تأثیر بگذارد؛ بلکه از لحاظ درونی کاملاً مستقل بوده و وابستگی به گونه‌های متفاوت نداشته باشند». (جاویدی: همان: ۴۶۳۹)

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِثِينَ خَصِيمًا؛ ما این کتاب را بحق بر تو نازل کردیم؛ تا به آنچه خداوند به تو آموخته، در میان مردم قضاوت کنی؛ و از کسانی مباش که از خائنان حمایت نمایی. (نساء: ۱۰۵)

«تدابیر و اقدامات برای بکارگیری عناصر و نیروهای صالح، سالم و توانا در رده‌های گوناگون قضایی و اداری آن قوه و حذف عناصر ناصالح به کارگرفته شود، عدالت کیفری به معنای عدم تبعیض در حقوق، حدود و احکام است عدالت اینکه عده خاص برای خودشان

حق ویژه‌ی قایل نباشد عدالت یعنی که حقوق انسانی و اجتماعی و عمومی و حدود الهی به

صورت یکسان بر مردم اجرا شود»؛ (جاویدی، همان: ۲۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَى
أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ؛ ای

کسانی که ایمان آورده‌اید، همواره برای خدا قیام کنید و از روی عدل و عدالت گواهی
دهید. کینه و دشمنی با گروهی شما را به ترک عدالت وادار نسازد. عدالت کنید که به
پرهیزگاری نزدیکتر است و از خدا بترسید که خدا از اعمال شما کاملاً آگاه است.

(ماید: ۸)

عدالت قضای در یک کشور معیار سلامت آن کشور به شمار می‌آید اگر دستگاه قضایی
سالم بود، می‌توان نتیجه گرفت که وضع عمومی جامعه و کشور از جهت برخورداری از
عدالت و دوری از تبعیض، ستم، اجحاف و تجاوز مطلوب و پسندیده است. (جاویدی، همان،
ص ۴۳۵) «در عدالت کیفری جانب حق را باید گرفت در دعوای میان افراد جانب مظلومان
را باید گرفت: «کونوا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» خصم یعنی دشمن که گریبان ظالم را می
گیرد او را رها نمی‌کند اگر دستهای با ایمان، گریبان ظالمان و ستمکاران را می‌گرفتند ظلم در
دنیا این قدر گسترش پیدا نمی‌کرد؛ بلکه از بن بر می‌افتاد؛ گریبان ظالم را بگیر، هر جا مظلوم
هست به او کمک کن و طرفدارش باش.» (جاویدی، همان، ص ۳۹۳)

عدالت کیفری ایجاب می‌کند که افراد مجرم به اندازه جرم که مرتکب شده باید به مجازات
برسد؛ حقوق و عدالت اسلامی در مورد آنان باید اعمال گردند در اجرای حدود الهی نباید
قصور ورزید، بلکه در اجرای حدودی برخاسته از عدالت اسلامی باید، موشکافانه عمل
نمود؛ در اجرای حدود، امتیاز ویژه‌ی برای افراد نباید قایل شد همه در مقابل قوانین باید یکسان
باشد. (جاویدی، همان، ص ۴۳۵)

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ... إِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ
بِهِ...؛ (نساء: ۵۸): خداوند به شما فرمان می‌دهد که ... و هنگامی که میان مردم

داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. خداوند، اندرزهای خوبی به شما می‌دهد....

۵-۲. عدالت صیانتی

عدالت صیانتی ایجاب می‌کند که جان، مال و عرض مردم از ظلم، تجاوز و اجحاف بدور باشد عدالت صیانتی عدم اضرار به غیر است و امنیت جانی، مالی و آبروی در لایه‌های گوناگون جامعه گسترش یابد.

«با قوانین و تأمین امنیت قضای در کشور، بساط تجاوز و تعدی به حقوق مظلومان و دست اندازی به حیطه مشروع زندگی مردم جمع شود همه احساس کنند که در برابر ظلم و تعدی می‌تواند به ملجاء مطمئن پناه برند و ایجاد امنیت مدنی و قضایی بسیار مهم است باید حتماً ملاحظه شود». (جاویدی، همان: ۴۵۹) **وَاِذَا قَامُوا الصَّلَاةَ فَخُذُوا الصَّلَاةَ بِمِيزَانٍ ۚ وَمِيزَانٍ بِالْقِسْطِ ۚ لَا تَبْخُسُوا النَّاسَ اَشْيَاءَهُمْ: اَي مَرَدَم، پیمانه و ترازو را از روی عدالت بسنجید و از حق مردم کم و کسر نکنید. (هود: ۸۵)**

«یکی از موارد امنیت، امنیت اقتصادی و مالی در اسلام مورد تأکید قرار گرفته است امنیت اقتصادی یعنی اینکه انسان‌ها و آحاد مردم، از هر قشری بخواهند کار اقتصادی کنند بدانند که کسی مزاحم آنها نخواهند شد از طریق قانون و راه‌های مشروع به فعالیت اقتصادی بپردازند. همه کس بدانند که باکار و تلاش خود خواهد توانست زندگی مطلوب فراهم کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰: ۳۶۷) **وَ اَنْ لِّسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰى. (نجم: ۳۹)**

«مصدق دیگر امنیت و عدالت صیانتی، امنیت شغلی است اگر امنیت شغلی و ثبات مقررات نبود اگر کسی می‌خواهد در جامعه کار کند دست و پایش را بستند. برای تلاش کردن به او فرصت ندادند این‌ها بر خلاف عدالت صیانتی بوده و مصداق بارز فساد است و باید اصلاح شود، اگر در فعالیت‌های اقتصادی دلّالی و رابطه بازی بر تولید تقدم داشته شود این‌ها موارد فساد بوده برابر آنها باید مبارزه گردد». (جاویدی: همان: ۳۵۶) و زمانی در کنار قطع پیوندهائی که خدا به آن فرمان داده است آمده، مانند: **«الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ».** (بقره: ۲۷)

عدالت صیانتی در گرو تأمین حقوق انسان و کرامت بشری و آزادی در چارچوب نظام اسلامی است و ادیان الهی همواره در پی دعوت به سوی سلامت، امنیت و آسایش انسان‌ها

بوده‌اند. (جاویدی، همان: ۱۶) «أَوْ لَمْ نُمْكِنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا»: بگو آیا ما آنان را در حرم امنی قرار ندادیم که بهره‌های هر چیزی به عنوان روزی از جانب ما به سوی آن سرازیر می‌شود (قصص: ۵۷)

اگر عدالت صیانتی باشد، امنیت اقتصادی بیشتر است دزدها و چپاولگرها هستند که از بی‌عدالتی سود می‌برند انسانی می‌خواهد سرمایه‌گذاری کند، طبق قانون سود ببرد و عدالت پشتوانه در فعالیت و امنیت اقتصادی او شمار می‌آید. (جاوید، همان، ۶۲۰) «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (وای قوم من! پیمانه و وزن را با عدالت، تمام دهید! و بر اشیاء (و اجناس) مردم، عیب نگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین به فساد نکوشید). (هود: ۸۵)

دست اندازی به حیطه مشروع زندگی مردم برداشته شود، همه بدانند که باکار و تلاش خویش می‌توانند زندگی مطلوب بدور از چپاول و غارت، فراهم نمایند. (جاویدی، همان، ۲۸) تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (بقره: ۱۸۷) این احکام، حدود دین خداست، زنه‌ار در آن راه مخالفت مپوید! خداوند این گونه آیات خود را برای مردم بیان فرماید، باشد که پرهیزکار شوند).

عدالت صیانتی امری مقدم بر عدالت قضایی و کیفری و عامل پیشگیری از وقوع جرم‌ها و بذهکاری‌های اجتماعی است.

چونکه هدف از ارسال رسل و انزال کتب و شرایع آسمانی، استقرار عدل الهی و اسلامی است که امیرالمومنین در طول چهار سال و نزدیک به ده ماه برای تحقق عدالت صیانتی و حفاظت از جان، مال و آبروی مردم از هیچ چیزی کم نگذاشتند و حتی در برابر زیاده‌خواهی پسر عمویش عبدالله بن عباس ایستادند تا بتواند از حقوق مردم صیانت نمایند. (خامنه‌ای، ۱۳۹۲، ص ۳۸)

اگر کسی تصور کند که ممکن است دین الهی و واقعی تحقق پیدا کند، ولی در آن عدل صیانتی و اجتماعی به معنای واقعی آن تحقق پیدا نکرده باشد، باید بداند که اشتباه می‌کند، هدف پیامبران اقامه‌ای قسط است. (خامنه‌ای، حدیث ولایت، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۲۰۹):

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ... (حدید، ۲۵) ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب [و میزان] شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه [نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند (موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۰، ص ۹۵) پس عدالت صیانتی از منظر ایشان مصون بودن جان، مال، آبرو و حیات مردم از دست اندازان و اختلاسگران قانون شکنی است که حریم جانی و ثروت و حیثیت مردم توسط مفسدان سیاسی اجتماعی اقتصادی شکسته می‌شود و عدالت صیانتی آن است که حیات و هستی مادی و معنوی جامعه و آحاد مردم از تناول رانت خواران محفوظ و مصون باشند.

نتیجه

عدالت مقوله گرانشنگی است که مدام در طول تاریخ تفکر بشر میان اندیشوران طرفداران و هواداران فراوانی داشته است و جستاری ارزشمند و پراهمیت که فلاسفه سیاسی از دوران کلاسیک تا دوران مدرن و معاصر حول و محور آن به نظریه پردازی پرداخته اند. در کتاب و حیانی قرآن نیز بارها از واژه‌های «عدل» و «عدالت» تکرار گردیده که ارزش و اهمیت آن را به اثبات می‌رساند. عدالت که قوام هستی و عالم آفرینش بر آن استوار یافته موسوم به عدالت تکوینی است که در حوزه فلسفه اخلاق و سیاست مورد کنکاش اندیشمندان سیاسی و اخلاقی بوده است.

عدالت موجب قوام و دوام نظام اجتماعی و سیاسی می‌شود و بدون عدالت نظام سیاسی اجتماعی تداوم نیافته به اژه پاشیدگی می‌انجامد، چیستی و ماهیت عدالت همواره میان متفکران دینی و سکولار معرکه آراء و نظرات بوده است و هر اندیشمندی با تکیه بر پیشفرض‌های خود پیرامون عدالت تئوری پردازی نموده اند، از جمله مقام معظم رهبری (دامت برکاته) که در جایگاه و مقام رفیع رهبری نظام سیاسی اسلامی قرار دارد نظرات بسیار علمی و ارزشمند و ثمربخش پیرامون عدالت بیان نموده اند و ایشان عدالت را از مستلزمات و اقتضائات اساسی و اجتناب‌ناپذیر نظام اسلامی برمی‌شمارند، هدف بعثت رسولان الهی و

فلسفه حکومت اسلامی را ترویج و تداوم عدالت در رفتار و ساختار اجتماعی دانسته و معتقدند که فلسفه شکل‌گیری نظام سیاسی اسلامی استقرار و استمرار عدالت در میان آحاد مردم و نهادهای اجتماعی است، عدالت برابر با حق و آموزه‌های وحیانی دانسته و قلمرو عدالت را بسیار گسترده و وسیع قلمداد می‌نمایند، قلمرو و دامنه عدالت را در عرصه‌های سیاست، اقتصاد، حقوق، امنیت تسری و تعمیم می‌دهد. تکلیف سیاسی کارگزاران اسلامی را پاسداری و تعمیم عدالت در مناسبات سیاسی و اجتماعی می‌دانند، بخصوص عدالت را در برخورد با طبقات اجتماعی به مفهوم توزیع عادلانه امکانات و فرصت‌ها و امتیازات میان مردم بدور از تبعیض، تعصب، تحقیر و ویژه‌خواری و رانت‌بازی تفسیر و تبیین می‌نمایند و بر توسعه و گسترش عدالت در تمامی زوایای اجتماعی و سیاسی تاکید دارند. رشد و پیشرفت اقتصادی منهای عدالت و انصاف در راهبردهای قدرت سیاسی را نامفهوم و غیرمثمرتر می‌دانند و به از میان برداشتن دیوار تبعیض و نابرابری در میان طبقات اجتماعی نگاه ویژه دارند، به حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و بهره‌مندی آن از مزایای اقتصادی و فرصت‌های نایاب توجه و التفات خاصی دارند و معظم‌له عدالت با نگاه تازه و بروز و نگاه انضمامی‌تر را در رویکرد و تحلیل‌هایش مطرح می‌نمایند و نگاه هدفمندانه و غایت‌گرایانه نسبت به عدالت دارند.

مفهوم عدالت را در اندیشه رهبری، رفع فقر و کاهش فاصله‌های طبقاتی و توزیع فرصت‌های کمیاب اجتماعی بدون تبعیض می‌توان بیان نمود. ایشان عدالت را زیربنای زندگی اجتماعی و فردی می‌دانند و می‌گویند حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی، حقوقی (عدالت توزیعی، عدالت صیانتی و عدالت کیفری) بدون عدالت و رفتار و اقدام عادلانه، قوام و دوام نخواهد یافت، وظیفه سیاسی مسئولان نظام اسلامی را تحقق بخشیدن به عدالت در ابعاد وسیع اجتماعی سیاسی بیان می‌دارند و هدف رسالت رسولان و امامت امامان را اعمال و گسترش عدالت در حوزه فردی و اجتماعی می‌دانند، زندگی اجتماعی بدون عدالت، توخالی و بی‌معنا می‌پندارد، رشد و بالندگی یک جامعه را در پرتو تجسم و تحقق بخشیدن به عدالت‌های گوناگون اجتماعی و سیاسی می‌نگرند.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه (فیض الاسلام)

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸
ابن عباس، عبدالله بن عباس، غریب القرآن فی شعر العرب، جلد ۱، بیروت: مؤسسة الکتب
الثقافیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه.ق.

افضلی، سید عبدالرئوف، تبیین و نقد فلسفه سیاسی جان رالز، قم: پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۱
تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال الدین محمد
خوانساری، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳

جاویدی، مجتبی (تنظیم‌کننده)، قاموس عدالت، بررسی مبانی نظری و عملی مفهوم عدالت
در کلام رهبری، بی‌م، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۵

جعفری، محمدتقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸
جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۶

حقیقت، سید صادق، «اصول عدالت سیاسی، بهار و تابستان ۱۳۷۶، نقد نظر، ش ۱۰-۱۱
حکیم سبزواری، هادی بن مهدی، بی تا، شرح اسماء الحسنی، قم: مکتبه الاسلامیه،

خامنه ای، سید علی، حدیث ولایت، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶
_____، کتاب چهارساله دوم ریاست جمهوری، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۶۸

_____، حدیث شکوفایی، قم: ظفر، ۱۳۸۱

_____، رهنمودها، به کوشش محمدقاسم فروغی جهرمی، تهران: معاونت روابط عمومی و
انتشارات سپاه، ۱۳۸۹

_____، پرسش و پاسخ از محضر مقام معظم رهبری، تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت،
۱۳۸۰

_____، حدیث ولایت مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، تهران: سازمان مدارک
فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶

_____، منشور دولت اسلامی، به کوشش میثم موسی پور...، قم: همای غدیر، ۱۳۸۴

_____، اخلاق کارگزاران در بیانات مقام معظم رهبری، تهران: سازمان امور اداری و استخدامی کشور، ۱۳۷۸

خمینی روح الله، تحریر الوسیله، قم: دفتر نشر آثار امام خمینی، ۱۳۶۶
دیلمی، ابی محمد حسن؛ ترجمه عباس طباطبایی، ارشادالقلوب، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲

راغب اصفهانی، المفردات فی غرایب القرآن، تهران: انتشارات نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق

رفیع پور، فرامرز، توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۶

رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: کتاب مبین، ۱۳۸۰
زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتاب العربی، ج ۳، ۱۴۰۷ ق

سید باقری سید کاظم، عدالت سیاسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳

صدر، محمد باقر، اقتصادنا، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵ ق=۱۴۱۷

طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان؛ بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۷ ق

طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳-۱۳۹۲

کاظمی، سید کاظم، عدالت سیاسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۳

گروه مشاوران جوان، دولت احیاگر، تهران: نشر جمهور ایران، ۱۳۷۸

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تحقیق و تعلیق محمد باقر المحمودی، بیروت: الوفاء، ۱۴۰۳ ق.

مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰

معاونت فرهنگی امور تدین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تاملی بر اندیشه های رهبر معظم انقلاب، بی.م. بی.تا، ۱۳۹۰-۹۱

مهاجرنیا، محسن، فلسفه سیاسی آیت الله خامنه ای، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲

موسسه فرهنگی سراج اندیشه اسلامی، عرصه های عدالت در کلام امام خامنه ای، قم: تسنیم اندیشه، ۱۳۹۲

_____، عرصه های عدالت در کلام امام خامنه ای، قم: تسنیم اندیشه، ۱۳۹۲
موسسه فرهنگی قدر ولایت، ویژگی های انقلاب اسلامی و راه های تداوم آن در آینه نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران: موسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۰
نوزیک، رابرت، بی دولتی، دولت، آرمانشهر، ترجمه محسن رنجبر، نشر مرکز، ۱۳۹۵.